

سبک شناسی شعر حمید سبزواری (با تکیه بر کتاب تو عاشقانه سفر کن)

حسن حبیبی، طاهره خبازی*، معصومه خدادادی مهاباد

گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، واحد ورامین - پیشوا، دانشگاه آزاد اسلامی، ورامین - پیشوا،
ایران.

سال هفدهم، شماره نهم، آذر ۱۴۰۳، شماره پی در پی ۱۰۳، صص ۱۹۵-۱۶۳

DOI: <http://10.22034/bahareadab.2024.17.7541>

نشریه علمی سبک شناسی نظم و نثر فارسی

(بهار ادب سابق)

چکیده:

هدف و زمینه: حمید سبزواری یکی از شاعران قرن معاصر به شمار میرود که زبان خاص او در بیان مفاهیم و پرداختن به مضامین ناب از ویژگیهای شعری او به شمار میرود. اشعار سبزواری مملو از عشق به وطن، رهبر انقلاب و پیشوایان دینی است که شاعر در اشعار خود آن را به نحو متمایزی متجلی کرده است. پژوهش روبرو بررسی سبک شناسانه اشعار حمید سبزواری در سه سطح زبانی، ادبی و فکری است تا با موشکافی در اشعار این شاعر بزرگ معاصر زیباییهای اندیشه و شعر وی را بهتر بشناسیم.

روش پژوهش: پژوهش پیش رو، مطالعه‌ای نظری است که بر روش کتابخانه‌ای و شیوه توصیفی-تحلیلی انجام شده است. محدوده و جامعه مورد مطالعه ما کتاب تو عاشقانه سفر کن (گزیده اشعار) حمید سبزواری است.

یافته‌ها: بر اساس یافته‌های این پژوهش، حمید سبزواری علاقه‌مند به سبک خراسانی و عراقی است و اشعار نو و نیمایی وی جایگاه خاصی در دیوانش ندارند. غالب برجسته در دیوان وی غزل و قصیده است. ردیف در شعر سبزواری از تنوع بالایی برخوردار است که از میان آنها بیشتر تمایلیش به ردیف فعلی و ردیفهای ترکیبی است. افعال و کلمات کهن سبک خراسانی در دیوانش به وفور دیده میشود. همچنین تضمینهایی که از شاعران پیشین لا به لای اشعارش ذکر کرده نشان از آگاهی کامل شاعر به شعر آنهاست.

نتیجه: در اشعار سبزواری لغات عربی بسامد کمی دارد. همچنین بیشتر از واژگان ساده استفاده کرده است. سبزواری از بحر رمل که از اوزان پر استعمال شعر فارسی است بیشترین بهره را برده است. از انواع جناس و تکرار در شعرش برای افزایش موسیقی کلام سود جسته است. بیشتر تشبیهات وی حسی به حسی و عقلی به حسی است و از امور محسوس و عناصر طبیعی برای بیان شعرهایش استفاده کرده و از میان تشبیهات، تشبیه بلیغ بیشترین بسامد را دارد. تلمیحات شاعر بیشتر دینی و قرآنی است و در استعاره گرایش بیشتری به استعاره مصرحه نشان داده است. از مضامین فکری موجود در اشعار سبزواری میتوان به مدح امامان و بزرگان و مرثیه سرایی برای آنها و همچنین بیان رخدادهای تاریخی زمان خود و ... اشاره کرد. همچنین مضامینی چون پند و اندرز، وطن دوستی و... نیز در اشعارش فراوان یافت میشود. میتوان گفت شعر سبزواری دارای مضمون سازیهایی پیچیده و نازک خیالیهای دیر فهم نیست و اشعار ساده و روانی دارد.

تاریخ دریافت: ۰۴ بهمن ۱۴۰۲
تاریخ داوری: ۰۵ اسفند ۱۴۰۲
تاریخ اصلاح: ۲۰ اسفند ۱۴۰۲
تاریخ پذیرش: ۰۶ اردیبهشت ۱۴۰۳

کلمات کلیدی:

حمید سبزواری، سبک شناسی، شعر معاصر، تو عاشقانه سفر کن

* نویسنده مسئول:

t-khabazi@yahoo.com
(+۹۸ ۲۱) ۳۶۷۲۵۰۱۱



ORIGINAL RESEARCH ARTICLE

Hamid Sabzevari's poetry stylistics (Relying on your book, travel romantically)

H. Habibi, T. Khabbazi*, M. Khodadadi Mahabad

Department of Persian Language and Literature, Faculty of Literature and Humanities, Varamin Branch - Pishva, Islamic Azad University, Varamin - Pishva, Iran.

ARTICLE INFO

Article History:

Received: 23 January 2024
Reviewed: 24 February 2024
Revised: 10 March 2024
Accepted: 25 April 2024

KEYWORDS

Hamid Sabzevari, stylistics,
Contemporary poetry,
you travel romantically

*Corresponding Author

✉ t-khabbazi@yahoo.com

☎ (+98 21) 36725011

ABSTRACT

BACKGROUND AND OBJECTIVES: Hamid Sabzevari is one of the poets of the contemporary century, whose special language in expressing concepts and dealing with pure themes is one of his poetic characteristics. He has manifested it in his poems in a distinguished way. The present research is a stylistic analysis of Hamid Sabzevari's poems on three linguistic, literary and intellectual levels in order to better understand the beauty of his thought and poetry by scrutinizing the poems of this great contemporary poet.

METHODOLOGY: The present research is a theoretical study that was conducted on the library method and the descriptive-analytical method. The scope and society of our study is the book "To love travel" (selection of poems) by Hamid Sabzevari.

FINDINGS: Based on the findings of this research, Hamid Sabzevari is interested in Khorasani and Iraqi style, and his New and Nimai poems do not have a special place in his Diwan. Ghalib is prominent in his diwan, sonnets and odes. Rows in Sabzevari's poetry have a high variety, among which he tends to the current row and combined rows. Verbs and words of the old style of Khorasani can be seen abundantly in his Diwan. Also, the assurances that he has mentioned from previous poets in his poems show that the poet is fully aware of their poems.

CONCLUSION: Arabic words have a low frequency in Sabzevari's poems. He also used more simple words. Sabzevari has benefited the most from Bahr Ramel, which is one of the most used weights of Persian poetry. He has used all kinds of puns and repetition in his poetry to increase the musicality of words. Most of his similes are sensory to sensory and intellectual to sensory, and he uses tangible things and natural elements to express his poems, and among the similes, eloquent simile has the most frequency. has shown Among the intellectual themes in Sabzevari's poems, we can mention the praise of imams and elders and elegies for them, as well as the expression of historical events of our time ,etc. Also, themes such as advice, patriotism, etc. are also found in his poems .It can be said that Sabzevari's poetry does not have complex and thin thematics of slow-to-understand fantasies and has simple and fluent poems.

DOI: <http://10.22034/bahareadab.2024.17.7541>

NUMBER OF REFERENCES	NUMBER OF TABLES	NUMBER OF FIGURES
 17	 0	 3

مقدمه

بدون شک ادبیات هر ملت تاثیرپذیر از جریانهای سیاسی آن ملت است و شاعران و نویسندگان یک کشور نمیتوانند نسبت به مسائل سیاسی که در کشورشان می افتد بی تفاوت باشند؛ از این رو میتوان گفت یکی از عوامل تاثیر گذار در اندیشه های شاعر یا نویسنده مسائل سیاسی و اتفاقاتی از این قبیل است که در جامعه اتفاق می افتد. شاعران و نویسندگان میکوشند تا شعرشان بازتاب زندگی اجتماع باشد. انقلاب اسلامی و تلاش و مبارزه مردم علیه استبداد و خودکامگی طاغوت یکی از این گونه جریانهای سیاسی بود که در شعر شاعران تجلی یافت و آنها کوشیدند تا هر چه بهتر به بسط اندیشه های انقلابی یاری رسانند. (موجودی، ۱۳۹۶: ص ۳۲) در این دوره شاعران نقش بسزایی را در گسترش مفاهیم انقلابی و پیشبرد اهداف آن ایفا کردند. در این زمان بسیاری از شاعران همراه با موج خروشان انقلابیون و پا به پای آنها در این زمینه فعالیت کردند و حتی زمانی که انقلاب پیروز شد باز تحت تاثیر وقایع آن دوران، بسیاری از آثار خود را در این زمینه منتشر کردند، که از میان این شاعران، حمید سبزواری نامی آشنا برای همه مردم و ادب دوستان است. وی از آن دسته از شاعرانی است که در جای جای اشعارش رد پای انقلاب و عشق به وطن دیده میشود. در این پژوهش به بررسی اشعار وی در سه سطح زبانی، ادبی و فکری میپردازیم.

معرفی شاعر

حسین ممتحنی، متخلص به حمید و مشهور به حمید سبزواری در سال ۱۳۰۴ ه.ش در شهر سبزوار متولد شد. پدرش عبدالوهاب، با وجود نابینایی و پدر بزرگش ملا محمد صادق ممتحنی هر دو اهل شعر و ادب بودند و خود قریحه شعر و شاعری داشتند. حمید سبزواری اصول و فنون شاعری را از پدر خود آموخت. در ایام کودکی و در ماه محرمی جریان شهادت حضرت علی اصغر (ع) را به شعر درآورد و بسیار مورد تشویق پدر قرار گرفت. از این زمان، شعر گفتن را بطور جدی آغاز نمود و در همان بدایت راه شعر و شاعری، بدلیل روحیه آزادی و ظلم ستیزی که داشت، به مبارزه با رژیم منحوس پهلوی پرداخت و طبع شعری و قریحه سرشار شاعریش را در این مسیر به کار برد و مضامینی شورانگیز به تصویر کشید که همگان را به مبارزه ترغیب میکرد. سبزواری پس از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ متواری و مخفی شد. لیکن خود را به شهر بانی سبزواری معرفی کرد و چهار سال در وضعیت بلاتکلیفی و تعلیق طی کرد تا سرانجام تبرئه شد. ابتدا به شغل معلمی مشغول بود. بعد از حوادث مرداد ۳۲ از آموزش و پرورش اخراج شد و مدتی در شرکتی که سنگ معدن استخراج میکرد در اطراف سبزواری و شاهرود مشغول به کار شد و سپس کارمند بانک بازرگانی (بانک تجارت بعد از انقلاب) در تهران شد و بعد از آن به شاعری روی آورد. (پروین زاد، ۱۳۸۱: ص ۶)

هنوز چیزی از انقلاب نگذشته بود که حمله عراق به ایران شروع شد. در این دوره که عرصه رشد و بالندگی شعر و ادب و فرهنگ بود، با شروع جنگ، شعر به سمت حماسه گرایش پیدا کرد، شاعران متعهد و باورمند به انقلاب اسلامی کوشیدند تا با استفاده از حربه برآن شعر و سخن منظوم روح حماسی و پهلوانی را در کالبد جامعه بدمند و مردم را برای دفاع از کیان ملی و دینی کشور تهییج کنند. حمید سبزواری به سبب روحیه انقلابی و به پشتوانه مبارزاتی و مذهبی خود در پیش از انقلاب و حضور چندین باره در جبهه های جنگ، بیش و پیش از همه به سرودن اشعار حماسی متناسب با جنگ و دفاع روی آورد؛ به همین سبب، اشعار او از بهترین نمونه های ادب پایداری به شمار میرود.

بدون شک حمید سبزواری یکی از شعرای موفق و نام آور معاصر ایران است که در دوران انقلاب اسلامی و دفاع

مقدس اشعارش برانگیزنده شور و شعور، و تهییج‌کننده احساسات و عواطف پاک و پرشور مردم انقلابی و مقاوم ایران بود. ایشان بوسیله قریحه سرشار شاعری و ذوق موسیقایی، اشعاری سرود که جاودانه و ماندگار شد، مانند سروده‌های «خمینی ای امام، خمینی ای امام»، «ای مجاهد ای مظهر شرف»، و یا شعر ماندگار «از صلابت ملت و ارتش و سپاه ما» و... به هر حال، سبزواری از زمره شعری است که اندیشه را فدای لفظ نکرده و هیچگاه از مضمون غافل نشده است. در این میان برای ارائه مفاهیمی با معنای پایداری، به شایستگی توانست از زبان خراسانی که ارتباط تنگاتنگی با شعار دارد، استفاده کند. (ابراهیمی و فرشادمهر، ۱۳۸۸: ص ۶۴) جوایز و نشانهای دولتی سبزواری عبارتند از:

نشان درجه یک فرهنگ و هنر (۱۳۷۱)

چهره ماندگار دوره سوم (۱۳۸۲)

نشان افتخار جهادگر عرصه فرهنگ و هنر (۱۳۹۳)

حمید سبزواری، بامداد ۲۲ خرداد ۱۳۹۵ در سن ۹۱ سالگی به دلیل کهولت سن و وخامت بیماری در تهران درگذشت.

آثار و سروده‌های حمید به دو بخش تقسیم میشود، قسمتی از آن محصول و مولد دوران اختناق است که شاعر با شجاعت و شهامت و ایمان راسخ بر حکومت تاخته و اوضاع نابسامان آن را نکوهش کرده است و در میان آن آثار، به حق سخنانی بس بلند و فاخر و شورانگیز یافت میشود که از قدرت طبع و صفای قریحه و مهارت شاعر حکایت دارد. بخش دوم آثار حمید سبزواری پس از پیروزی انقلاب است که در این زمان تلاش شاعر انتقال هرچه بهتر پیام انقلاب و دفاع ارزشها و باورهای اصیل اسلامی است. (سبزواری، ۱۳۶۷: ص ۲۰) مقام معظم رهبری در مقدمه دیوان شعر حمید سبزواری او را چنین میشناساند: «شاعر گرمی ما، آقای حمید سبزواری از پیشکسوتان و پیشروان شعر انقلاب است. زبان فاخر در شعر حمید با مضمون انقلابی و مکتبی، آمیزه‌ای مطلوب و ارزنده پدید آورده و مجموعه شعر او در دیوان معاصر فارسی، فصل رغبت انگیز و شایسته‌ای گشوده است.» (همان: ص ۶)

معرفی آثار

سرود درد، نخستین دفتر شعر حمید سبزواری است که سروده‌های سالهای ۳۶ تا ۵۷ را دربرمیگیرد. در جای جای این دفتر، روح عاصی، حماسی و ستم ستیز شاعر در پس الفاظ و کلمات آهنگین، موج میزند. اشعار آزاد و کلاسیک سبزواری در این دفتر خبر از وجدان بیدار و آگاهی اجتماعی وی در شرایط دشوار میدهد.

سرود سپید دومین دفتر اشعار حمید سبزواری است که اشعاری به شیوه نو و کلاسیک آورده شده است.

کاروان سپیده در برگیرنده ۲۶ قطعه از اشعار سبزواری است.

یاد یاران مثنوی نسبتاً بلندی است در رثای سردار جهادگر شهید مهندس سید محمدتقی رضوی و نیز جمعی از شهیدان دفاع مقدس.

به رنگ آمده دشمن، با عنوان اولیه «بار دیگر مسجد ضرار» منظومه‌ای است کوتاه (۵۶ بیت) در قالب مثنوی که در آن سبزواری شیوه‌های فرهنگی دشمنان انقلاب و اسلام را پس از پذیرش قطعنامه ۵۹۸ بیان کرده است.

سرودی دیگر، سومین دفتر از دیوان اشعار حمید سبزواری است که در برگیرنده ۱۴۲ قطعه از اشعار کلاسیک از سال ۱۳۶۶ تا کنون است.

تو عاشقانه سفر کن

گزیده شعر «تو عاشقانه سفر کن» شامل ۵۶ غزل، ۱۱ قصیده و ۴ مثنوی است. سروده‌های این دفتر دارای مضامین عاشقانه، عارفانه، مذهبی، آیینی و عامیانه می‌باشد. «تو عاشقانه سفر کن» طبق سنت دیرینه که دیوان اشعار شاعران سنتی با حمد و ثنای الهی و مناجات باری تعالی آغاز می‌شود. وی در ابتدای دفتر در سروده‌ای با عنوان «غزل پیوسته معراج» نغمه دل سر میدهد و به راز و نیاز با مبدأ هستی می‌پردازد. سروده‌های این دفتر از نظر ادبی مشتمل بر زبان و بیانی پخته، عاطفی و آهنگین است. اندیشه شاعرانگی و حس آمیزی درونی واژه‌ها در زبان و جوهره شعر شاعر حکایت از شناخت زیبایی شناسانه‌اش از قلمرو ذهن و زبان شعر کلاسیک دارد.

پیشینه تحقیق

درباره اشعار حمید سبزواری، کتاب و مقاله‌های بسیاری به چاپ رسیده است. از جمله سودی اجیرلو (۱۳۹۵) کتاب «جلوه‌های پایداری و مقاومت در اشعار حمید سبزواری» را چاپ کرده است. محمدیان و رجبی (۱۳۹۵) مقاله «جلوه‌های ادبیات پایداری در اشعار حمید سبزواری» را در نشریه ادبیات پایداری دانشگاه کرمان چاپ کرده‌اند. مریم محمودی و زینب السادات هاشمی مقاله «بررسی مضامین پایداری در شعر محمدمهدی جواهری و مجموعه سرود درد حمید سبزواری» را در فصلنامه ادبیات تطبیقی چاپ کرده‌اند. رستم امانی و مریم حداد خانشان و حمیدرضا فرضی مقاله «یادکرد شخصیت‌های انقلاب اسلامی و دفاع مقدس در مجموعه سرود سپید حمید سبزواری» در فصلنامه علمی پژوهشی دانشگاه آزاد واحد سنجند چاپ کرده‌اند. صفا تسلیمی، بلقیس سبحانی و علی فلاح مقاله «سیک شناسی اشعار آیینی معاصر (با تکیه بر اشعار حسینی، سبزواری و عزیزی) در نشریه علمی سبک شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب) چاپ کرده‌اند. با توجه به اطلاعات بدست آمده تاکنون پژوهشی با عنوان سبک شناسی شعر حمید سبزواری (با تکیه بر گزیده اشعار تو عاشقانه سفر کن) صورت نگرفته است.

سیک شعری سبزواری

سبزواری پدر شعر انقلاب است. شعرهای قبل از انقلاب سبزواری نیز دو مرحله است؛ مرحله نخست مربوط به قبل از انقلاب تا قیام ۱۵ خرداد یعنی از سال ۱۳۳۰ تا سال ۱۳۴۲ بود که شعرهای ایشان در این دوره بیشتر جنبه وطنی داشت و خیلی جهت گیریهای مذهبی و سیاسی نداشت. البته مانند تمام شاعران آن دوره که خفقان یأس و ناامیدی حاکم بر جامعه در اشعارشان موج میزد زبانه‌های موج در اشعار سبزواری نیز به وضوح به چشم می‌خورد. مرحله دوم شعرهای قبل از انقلاب وی بیشتر جهت گیریهای سیاسی و مذهبی پیدا کرد و سمت و سوی اسلامی بازگشت به خویشتن و هویت اسلامی به خود گرفت. اشعار این دوره سبزواری بیشتر سیاسی و اجتماعی است و خیلی جنبه شخصی ندارد، محتوای بیشتر شعرهای دوران قبل از انقلاب، سبزواری درباره دوران حاکمیت آن زمان، توصیف نابسامانیها تشویق به قیام و آگاهی دادن به مردم بوده است.

بیشتر اشعار حمید سبزواری انقلابی و درصد بسیار کمی از اشعار وی جزء اشعار عرفانی است که در آن مضامین عرفانی و عاشقانه بیشتر دیده می‌شود هر چند همان اشعار نیز رنگ و بویی از اعتراض تحذیر و واگویه دارد. میتوان از مطالعه اشعار و آثار سبزواری پی به تحولات تاریخی هم برد. چرا که این اشعار آنقدر زنده و پویاست که همپای تاریخ انقلاب است. بیشتر اشعار سبزواری با لحن اعتراضی و انتقادی همراه است و بسیاری از مسائل سیاسی و

اجتماعی را به نقد میکشد. از بی دزدی بعضی اقشار جامعه گرفته تا درد ملت فلسطین و دیگر ملت‌های مسلمان دغدغه سبزواری است.

سرودهای انقلابی از همان آغازین روزهای پس از پیروزی انقلاب مورد توجه مردم و انقلابیون بود در این بین اشعار سبزواری بیشترین میزان تأثیر را در میان مردم داشت شاید کسی را همسنگ او در کمیت و کیفیت سرود انقلابی نتوانیم بیابیم. در حقیقت سبزواری قله نشین سرود انقلاب بود که اشعارش ارتباط عمیق و معنا داری با دل‌های مردم پیدا میکرد. رهبر معظم انقلاب درباره اشعار مرحوم حمید سبزواری گفته‌اند: «انتشار آثار شاعر انقلابی و مخلص جناب آقای حمید سبزواری گامی در جهت غنی سازی گنجینه ادبیات انقلاب و عرضه آن به مشتاقان و هنرشناسان است. بی شک در قرنهای آینده هنگامی که بخواهند از انقلاب و اسطوره‌های آن یاد کنند، از چهره ماندگار مرحوم حمید سبزواری به نیکی یاد خواهد شد و تاریخ ادبیات کشور نام او را هم ردیف ادیبان تأثیرگذاری قرار خواهد داد که همچون دیگر نامداران حوزه فرهنگ و ادب ایران زمین منشأ تأثیرگذاریهای بسیار بوده‌اند.» (سبزواری، ۱۳۶۷: ص ۱۲)

حمید سبزواری از جمله شاعرانی است که اندیشه وی در اشعارش بخوبی انعکاس یافته است و زوایای گوناگونی دارد و تک بعدی نیست (موجودی، ۱۳۹۶: ص ۱۰) در شعر قبل از انقلاب سبزواری مضمون‌هایی چون: یأس و ناامیدی، واگویی‌ها و تحذیر و اعتراض، اشعار آیینی، گرامیداشت آزادی و مبارزین راه آزادی بازگویی رویدادها و وقایع انقلاب و موضع رهبری امام خمینی در پیروزی انقلاب و... یافت میشود.

در شعر بعد از پیروزی انقلاب و جنگ سبزواری همان مضامین شعر انقلاب ادامه دارد، البته با نگاهی جدید رویدادها و وقایع جنگ با دقت بیشتری دنبال شده است. هر واقعه‌ای که کمترین دخالت در تاریخ ایران آن دوران دارد از نگاه سبزواری دور نمانده است؛ از اولین نماز جمعه بعد از انقلاب تا کشتار مردم پاوه به دست مجاهدین خلق تا ترورهای شخصیتهای انقلاب به دست منافقین، عملیتهای جنگ پیروزیها و شکستها، شهادت مسافرین هواپیما مسافربری، همه و همه از دغدغه‌های سبزواری در اشعار دفاع مقدس او میباشد.

سبزواری علاقه مند به سبک خراسانی است و نشانه‌های سبک خراسانی در اشعارش فراوان است. شاید یکی از دلایل روی آوردن حمید سبزواری به سبک خراسانی روح حماسی در آمیخته با این سبک است که از مختصات آن به شمار میرود؛ زیرا شعر حمید روایت ماندگار حماسه بزرگ قرن یعنی انقلاب شکوهمند اسلامی و حکایت حماسه آفرینی و سلحشوری ملت در جبهه‌های دفاع مقدس است. بدیهی است که توصیف این همه پایمردی و پیکار و تبیین این همه ستیز زبانی فاخر و شیوه‌ای استوار میطلبد. حمید سبزواری از شاعران خراسان بیش از همه به ناصر خسرو نظر دارد. قصایدش بر همانند قصاید ناصر بر همان وزن و با همان قافیه و ردیف. وی از قصیده سرایان غیر از ناصر خسرو به خاقانی قصیده پرداز نام بردار قرن ششم و مسعود سعد سلمان حبسیه سرای ادب فارسی نیز نظر دارد.

سبزواری به شعر سپید و آزاد عنایتی ندارد و اشعار موج نو و دیگر شعرهای تقلیدی از غربیان را تقلیدی کورکورانه میداند و در غزلی به شعر موج پاسخی محکم داده است.

چشم خفاش از نبیند روشن است این بامداد راستی را خود گواهی متقن است این بامداد

شعر نو وی را نمیتوان دارای جایگاه تعریف شده در مجموعه آثار او دانست، بیشتر تغنن است و یا اگر بهتر ببیندیشیم و در آنها تعمق کنیم نشان دادن ضرب شصت است به کسانی که از وی انتقاد کرده‌اند و او این اشعار را

هر از چند گاهی سروده است تا تسلط خود بر شعر منشور را از خود نشان دهد . (ابراهیمی و فرشادمهر، ۱۳۸۸:ص ۲۷۹)

سبک شناسی

سبک زبانی

از نظر زبان و طرز بیان اندیشه‌ها ، شعر سبزواری دارای ویژگیهای سبک خراسانی است. در حتی در غزلهایش که به سبک عراقی سروده شده ، تا حدودی از سبک خراسانی تاثیر پذیرفته است.مهمترین کاربردهای آوایی، نحوی و لغوی که در شعر او بسامد بالایی دارند عبارتند از:

الف (سطح آوایی

موسیقی بیرونی (وزن و بحر)

قالب شعری مورد علاقه حمید سبزواری قصیده است و غزلهایش ساده و فعلی است. بحرهایی که در اشعار او فراوان به کار رفته‌اند عبارتند از :
بحر مجتث مثنی مخبون محذوف و با وزن (مفاعیلن فاعلاتن مفاعیلن فعلن) که جزو پراستعمالتترین اوزان شعری است.

نسیم صبح وزید و پیام او آورد نشان معرفتی از مقام او آورد
(ص ۵۶)

بحر رمل با وزن (فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن)

آن ز ما بگسسته با کس سیر نتواند نشست نشئه را ماند که در سر دیر نتواند نشست
(ص ۱۰۴)

وزن (فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن) که شاعر بیشتر غزلهایش را با این وزن سروده است.

بر فلک یک نقطه روشن نمیبینیم چرا؟ زان همه روشنگران یک تن نمیبینیم چرا؟
(ص ۳۴)

وزن (مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن)

چه پرسی حال مرغی را که دامش آشیان باشد مدام از شیوه صیاد مهرش بر زبان باشد
(ص ۶۶)

مثنوی معروف همپای جلودار بر وزن مستفعلن مستفعلن مستفعلن فع (بحر رجز مسدس) که اوزان حماسی است.
وقت است تا برگ سفر، بر باره بندیم دل بر عبور از سدّ خار و خاره بندیم
(ص ۲۱۹)

در کل میتوان گفت موسیقی شعر در اشعار سبزواری خیلی پیچیدگی و دشواری ندارد و اشعارش آهنگین است.

موسیقی کناری (قافیه و ردیف)

بدون شک قافیه در حفظ وحدت احساس و حالت هنرمند تأثیری مهم دارد. هنگامی که قافیه میآید خواننده یا شنونده به یاد قرینه می‌افتد و از آن قرینه مطالبی را که با آن پیوستگی دارند، تداعی میکند. به همین دلیل

قافیه، نقطه اوج و زیبایی هر شعری است که اگر خوب به کار گرفته شود بر فصاحت و بلاغت شعر می‌افزاید، شاعر موفق سعی میکند بهترین کلمات را در کنار شعر بنشاند و از آن قافیه بسازد. (شهری، ۱۳۶۶: ص ۹۵) پس از انقلاب اسلامی شاعران به این نقش سازنده قافیه عنایتی خاص داشته‌اند و از این فن برای القای بهتر معنی سود جست‌ه‌اند. در شعر پس از انقلاب و شعر جنگ سعی در پیدا کردن قافیه و ردیف نو را باید جزئی از نوجویی فراگیر در ادب معاصر دانست که در زمینه‌های مختلف ابداع و ابتکار منظور نظر قرار گرفت بر این انگیزش باید ورود برخی از واژگان خاص انقلاب و جنگ را افزود که خود سبب‌هایی برای تازگی ردیف و قافیه به شمار می‌ایند. واژگان جنگ و اصطلاحاتی که نشانگر بینش انقلاب بودند مخصوصاً در اوایل کار به شدت مورد توجه قرار گرفتند و به عنوان قافیه و ردیف در اشعار واقع شدند. مانند: جوان، زمان، کاروان، رهروان، دشمنان، جگر، هنر، روشنگر، خار، بهار، صبح، آتش، ایثار، یقین، نخل، نور، و....

ردیف

از ویژگی‌های مهم شعر انقلاب التزام ردیف و استفاده از ردیف‌های بلند است. سبزواری از انواع ردیف در اشعار خود بهره برده است، که از میان آنها میتوان گفت ردیف‌های ترکیبی بلند دارای بسامد بالایی است.

انواع ردیف

ردیف اسمی

چه مایه محنت عالم کشید آینه	که هر چه زشت و نکو بود دید آینه
(ص ۱۱۷)	
ای به درد دردمندان آشنا	بر همه پیدا و پنهان آشنا
(ص ۲۳)	

ردیف فعلی

چه پرسى حال مرغى را که دامش آشیان باشد	مدام از شیوه صیاد مهرش بر زبان باشد
(ص ۶۶)	
پیری رسید و قامت عمر ای جوان شکست	آمد خزان و رونق هر گلستان شکست
(ص ۴۴)	

ردیف حرفی

ما نهفتیم غم دل ، ز دل‌آزاری چند	این امانت بسپردیم به دلداری چند
(ص ۴۰)	
باز شب شد تا چو شبهای دگر	نغمه آغازم به آوای دگر
(ص ۱۶)	

ردیف ضمیر

شب چو اختر برفروزد آه اخگر زای من	گوش تا گوش فلک را پر کند آوای من
(ص ۱۵۲)	

ما در دیار خویش نجستیم یار خویش یا رب کجا روم، چه کنم با دیار خویش؟
(ص ۵۸)

ردیف ترکیبی

بر فلک یک نقطه روشن نمیبینم چرا؟ زان همه روشنگران یک تن نمیبینم چرا؟
(ص ۳۴)

بازار مستی رونق از خون داشت آن روز هامون به دامن لاله افزون داشت آن روز
(ص ۲۳۹)

موسیقی درونی

جناس

شعر سبزواری سرشار از کلمات متجانس است. او با استفاده از تجنیس، زیبایی خاصی را به شعر خود بخشیده است و انواع جناس در شعر او به وفور یافت میشود که در زیر به برخی از آن موارد اشاره میشود:

جناس تام

جانان من برخیز و زین بارگی نه زی قدس، زی سینا، قدم یک بارگی نه
(ص ۲۲۵)

جناس مرکب

تابندهام تا بندهام ، تازندهام تا زندهام پویندهای پایندهام، دشمن نبیند مُردنم
(ص ۱۰۷)

جناس خط

از سوی ساقی این چنین آمد اشارت بر تو شهادت زد رقم، بر من اسارت
(ص ۲۴۴)

بازو چو برگشاید بر باروی ستم بازوی او گشاید باروی خیبرش
(ص ۱۹۷)

جناس اشتقاق

گاه یاد خالقش بردی ز هوش گاه بردی، یاد خلقش تاب و توش
(ص ۲۲۹)

از ظلام ظلمت گستردهاش نور عشق و برق آزادی جهان
(ص ۱۴)

جناس اختلافی

ای همه دلدادگان روی دوست ای مصیبت دیدگان کوی دوست
(ص ۲۴۷)

گرچه دور افتاده از یار و دیار خود، حمید کی رود از خاطرش یاد دیار و یاد یار
(ص ۱۸۶)

جناس حرکتی

باید به مژگان رُفت گرد از طور سینین باید به سینه رُفت زین جا تا فلسطین
(ص ۲۲۵)

سجع

در شعرسبزواری ترفند موازنه علاوه بر موسیقایی و خیال انگیز کردن شعر به منظور تکرار مضمون و تاکید آن است و در دیوان او موازنه بسامد بالایی دارد .

سجع متوازی: آنست که کلمات در وزن و حرف روی هر دو مطابق باشند.

به بزم باده پرستان حریف صد قدحیم به رزم ساده حریفان، شکار یک نظیریم
(ص ۳۳)

نسیم صبح وزید و پیام او آورد نشان معرفتی از مقام او آورد
(ص ۵۶)

سجع مطرف: آنست که کلمات در وزن متفاوت و در حرف روی یکسان باشند.

رفته بودم تشنه کامی در سراب دیده بر ریگ بیابان نقش آب
(ص ۲۶)

گرگ نباید که حافظ گله باشد دزد نباید رفیق قافله باشد
(ص ۳۶)

- تکرار

یکی از مختصات آوایی که در شعر سبزواری بسامد بالایی دارد ، تکرار است که در سطح حرف، واژه ، عبارت و جمله نمود یافته است. میدانیم که تکرار در شعر ارزش صوتی فراوان دارد و اگر بجا و درست به کار رود علاوه بر این که شعر را زیبا میسازد و برا فصاحت آن می‌افزاید در القای معنا هم مؤثر است این نکته از قدیمترین زمانها مورد توجه شاعران ما بوده است و در شعر فارسی پس از انقلاب اسلامی نیز جایگاهی ویژه دارد.

واج آرایی

روژه نماند به زاغ، ور همه با درد و داغ از صف مرغان باغ نغمه گری می‌رود
(ص ۹۸)

ای علی ای عالی اعلا علی (ع) همسر و همصحبت زهرا(س) علی
(ص ۲۳۷)

تکرار واژه

هنر شد دشمن مرد هنرور، بی‌هنر مردم صدف را سینه بشکافند کانجا گوهری باشد
(ص ۶۲)

نالۀ من از غم یار است، نز پروای دشمن زان که دشمن شاد گردد گر از دشمن بنالم
(ص ۹۷)

ای امید من و عشق من و جان من از تو جز تو نکنم هیچ تمنا من
(ص ۱۶۷)

تکرار بیت

ای فسرده ناله‌ها در نای‌تان گرد غم بنشسته بر سیمای‌تان
ما خدایی کوکبی گم کرده‌ایم آفتابی در شبی گم کرده‌ایم
(ص ۲۴۷)

غمگنان خیزید و اشک افشان کنید رو به کوی خود فراموشان کنید
ما خدایی کوکبی گم کرده‌ایم آفتابی در شبی گم کرده‌ایم
(ص ۵۲۵)

-تصدیر

چو یار نیست بگو تا بهار برگردد بهار من بود آن دم که یار برگردد
(ص ۷۴)

من همی کوشم پی آزادی و اصلاح دوست دوست میکوشد به رنج و زحمت و ایذای من
(ص ۱۵۳)

ب) واژگانی

در این سطح به بررسی انواع واژه‌های موجود در اشعار حمید سبزواری میپردازیم. این واژه‌ها شامل «اسامی ذات و معنا، اسامی فارسی و عربی، افعال ساده و پیشوندی و مرکب و کلمات دارای بسامد و...» هستند. این سطح میتواند مهمترین بخش در سطح زبانی باشد، چرا که نوع کاربرد واژه‌ها از سوی هر شاعر تفاوت و تمایز معنادار با شاعر دیگر ایجاد کند.

-واژه عینی یا انتزاعی

واژه‌هایی که بر عقاید کیفیات، معانی و مفاهیم ذهنی دلالت دارند، انتزاعی و واژه‌هایی که بر اشیای واقعی و محسوس دلالت دارند عینی و حسیند. غلبه واژه‌های عینی (در برابر ذهنی) سبک متن را حسی میکند و کثرت واژه‌های ذهنی موجب انتزاعی شدن سبک میشود. (فتوحی، ۱۳۹۱: ص ۲۵۱)

واژه‌های عینی: درخت - گل - دریا - کوه - غنچه - اشک - سوزن - پیراهن - ازرن - شمشاد - صنوبر - و...
واژه‌های انتزاعی: عشق - غم - شادی - حق و باطل - معرفت - وصل - مقام - دروغ - عدالت و...

-کلمات و اصطلاحات پر تکرار

با نگاهی گذرا به اشعار حمید سبزواری مشاهده میشود که واژگان حماسی، مذهبی، عرفانی، عناصر طبیعت در شعر او بسیار کاربرد دارد که باعث غنای زبان شعری او شده است.

واژگان حماسی

شهادت - خون - شمشیر - شعار - بانگ - دژخیم - آشوب - دشمن - کشتار - خمپاره - سرنیزه - افغان - مسلسل - تانک - تیغ - خروش و...

واژگان دینی و مذهبی

روحانی - اسلام - کعبه - حریم - صفا - مروه - بیت الحرام - توحید - کربلا - عدل - منا - ایمان - بقیع - تطهیر - حسین - علی - شهید - و...

واژگان عرفانی

قرب- فنا- نور- محو- تماشا- پیر- باده- آیین-ه- فرقه- می فروش- عاشق- سبو- جام- حجاب- فقه- خرابات - صهبا- پیرمغان - محتسب- دیرمغان- و...

عناصر طبیعت

زمین- هوا- آسمان- گل- دشت- صحرا- ابر- تندر- موج- طوفان- دریا- صخره- پگاه- فلق- ساحل - و...

اسم خاص

سقراط- خاقانی- خیام- مسعود سعد- نظیری- فردوسی- بیهقی - کعبه- مکه- کربلا - امام حسن(ع) - امام حسین(ع)- حضرت زینب(س) - حیدر- خراسان- سبزواری- نیشابور- طوس- باد صبا - فلسطین و...

اسم عام

معلم- شهید- کوه- دشت - وطن- آیین-ه- دست و پا- صحرا - شمع - مرغ - کشور- مردم - و...

- کاربرد کلمات عامیانه

آری، بدین ترانه تر تازه میکند طبع حمید شیوه پیرار و پار خویش (ص ۵۹)

در دیار شاعران و نکته پردازان، حمید مهملاتی چند آرم شعر تر خوانمش (ص ۱۰۳)

- کاربرد کلمات و افعال به شیوه کهن

در اشعار حمید سبزواری مانند بیشتر شاعران سبک خراسانی، لغات عربی کمتر یافت میشود و بیشتر از معادلات فارسی استفاده شده و به فراخور موضوع از لغات قدیمی مهجور فارسی کهن سود برده است. لغات فارسی اشعار حمید سبزواری اغلب ساده و فعلی است. میتوان گفت یکی از ویژگیهای بارز و مشهود شعر سبزواری کاربرد واژگانی از زبان و فرهنگ فارسی است که اینک در زبان معیار و شعر این دوره کمتر به کار میرود مگر در سروده‌های شاعرانی که با حال و هوای شاعران سبکهای گذشته، منظومه سروده‌اند. « البته این لغات و عبارات چون با توان و خلاقیت و مایه کافی احضار شده و در شعر جا افتاده است، برای خواننده ایجاد زدگی و کسالت نمیکند بلکه موجب غنای زبان شعری میشود. (اکبری، ۱۳۷۱: ۳۲۸) مهمترین ویژگی زبان شعر سبزواری کهن‌گرایی یا « آرکائیک» است؛ او در قوالب کهن مضامین نو و واقعیات امروز جامعه ایران و جهان را بررسی کرده است. لغات کهن موجود در اشعار وی عبارتند از :

ایدر، ایدون، افسون و فسون (مسخره)، پرویزن، سیم، برگ (توشه)، کاهنه، جوشن، خدعه، ناوک، باژگونه، عیهر، خرف، مقر، شارستان، هامون، ابا، اندر، باز (به سوی)، اندیشه (بیم و ترس)، ناسره، یزدان، غنودن، نابسود، زی (سوی) فراروست (پیش روست)، گذار (معبر)، دیجور، باره (اسب)، دهشت، توسن، سنان، پاداشن (پاداش)، و... وقت است تا برگ سفر بر باره بندیم دل بر عبور از خار و خاره بندیم (ص ۲۱۹)

خواهی که محترم شوی ایدر درم بجوی	من نیز محترم بدم ار بود زر مرا (ص ۱۸۹)
امروز بازویم نگر، رویم ببین، خویم نگر	تا باز فردا بنگری، با جسم چون پرویزم (ص ۱۰۷)
فرو رفته گیتی به کام سیاهی	چه دشت و چه دامن چه کوه و چه کردر (ص ۱۶۹)
- استعمال کلمات عربی به جای فارسی (خصم)	
لیم را بسته دارد دشمن و این خود عجب نبود	که از بانگ مودن خصم کافرکیش میلرزد (ص ۶۸)

– لغات در معانی خاص

یکی از ویژگیهایی که در دفترهای شعر سبزواری به چشم میخورد استفاده از کلمات و عباراتی است که شاید نتوان آنها در اشعار دیگر شاعران معاصر یافت. استفاده از کلمات محلی و شاید نامأنوس برای دیگر شهرهای ایران یکی از این کلمات کلمه «زی» به معنای به طرف و به سوی است.

زی (به سوی)

تشنه کامان را به دشت زندگی	رهنمون، زی چشمه حیوان شدن (ص ۲۴)
شوخ (گستاخ)	
دارم امید ز ایام حمیدا	تا به دست آرم زان شوخ همی دامن (ص ۱۶۷)
بو (آرزو- امید)	
زخمه تو زن به تار دل، عشوه تو کن به کار دل	بو که ز شاخسار دل، خنده زند جوانه‌ای (ص ۱۱۰)

– افعال در معانی کهن

شدن (رفتن)

در سفر زندگی آمد و شد کار ماست	تا پسری در رسد خوش پدری می‌رود (ص ۹۹)
یارستن (توانستن)	
طفلی چنانکه خامه صورتگر خیال	آنان که نقش اوست نیارد مصورش (ص ۱۹۹)
نیوشیدن (گوش دادن)	
پیر مستان گفت دفع غم به جام می، کنید	ما نیوشیدیم پند او به جان، ساغر زدیم (ص ۷۳)

- افعال دعایی

گر به حسرت برده‌ام سر زیر پر عییم مکن	هیچ مرغی آنچه من دیدم مبیناد از قفس (ص ۵۰)
هرگز مباد خاطر ما خالی از غمت	تا گردش زمانه و لیل و نهار هست (ص ۷۷)
رزم را صبغه تردید به دامن مرساد	صلح با شبهه تزویر هم آغوش مباد (ص ۱۲۹)

- افعال به سبک خراسانی

می‌بترس و از دیو آز و می‌بران او را ز خود	ورنه مقهورت کند در کار استرضای خویش (ص ۱۴۵)
پای کوبان تا دیار نکته‌سنگان رفتی	گر نبودی رشته حب الوطن بر پای من (ص ۱۵۵)
به پیشیزی نخرندم که بنفروشم	گهر شعر، پی دولت دنیا من (ص ۱۶۵)
ای دریغا که می‌نشنود گوش	جانفزا نکته‌هایت ز منبر (ص ۲۱۲)

- کاربرد اعداد به سبک خراسانی

بشمیری ار خطای من روز حساب وای من	بیش دو صد گنه مرا، نیست به کف بهانه‌ای
-----------------------------------	--

- ترکیبات نو و بدیع

یکی از راههای توسعه و گسترش حوزه زبان، به هم زدن شبکه‌های کلمات و واژگان و ساختن ترکیبهای جدید است. حمید سبزواری در به کارگیری کلمات قدیمی و واژگان و عناصری که از فرهنگ و قاموس اسلام بیرون کشیده است، توان بالایی دارد. «او واژگان عرفانی، حماسی، مذهبی، تاریخی و عناصر شبکه طبیعت را به صورتی روان و سلیس و پخته در کنار هم نهاده است و بین آنها پیوندی چشم نواز و قابل تحسین و دلنشین ایجاد کرده است و ترکیبات تازه‌ای به صورت اضافات استعاری و ترکیبات وصفی و اضافی ساخته است که حکایت از نوآوری او در امر واژه سازی و گسترش دامنه شعریش دارد.» (اکبری، ۱۳۷۱: ص ۲۲۲)

سبزواری، شاعری ترکیب ساز است. او با ترکیب واژه‌ها با یکدیگر کلمات تازه می‌سازد. از این حیث شعر سبزواری از سایر شعرای دفاع مقدس اندکی متمایز است برخی از ترکیبات جدید در شاعر او عبارتند از: «شهیدستان، امیدستان، جنون آباد، شهیدآباد، حسرت آباد - و..»

حسرت آباد است عالم، گر به غفلت ننگرید	دامن مژگان ز هفتم آسمان بالا نهید (ص ۱۱۵)
---------------------------------------	--

(ج) سطح نحوی

در اشعار حمید سبزواری جمله‌ها بطور کلی روشنی و یک دستی سبک خراسانی را دارند و ترتیب فاعل و فعل و مفعول رعایت نشده است.

- کاربرد انواع فعل

فعل پیشوندی: برافتاد- فرورفت- برانگیخت- برانداخت- درافتاد- و...

از صاعقه عشق چه گویم؟ که به سویم یک شعله درافتاد و ز خویشم اثری نیست (ص ۵۴)

فعل ساده: گفتن- کردن- رفتن- شنیدن- آموختن و...

شحنه آنجا حد نمیزد مردم آزاد را شیخ را اندیشه تکفیر هشیاری نبود

فعل امر بدون ب

خیز ساقی باد دُرد آمیز ده ساغری زان آب و آتش خیز ده
(ص ۲۴۷)

فعل امر با ب

خמוש ناصح ارمم چه میکنی به سکوت برو که وعظ تو در گوش من فرو نرود
(ص ۶۱)

- کاربرد انواع جمع

جمع با «ان»

خوشدلان خفتند تا صاحب دلی در دل شب سر گُند آواز دل
(ص ۱۳)

جمع با «ها»

خواهم ای شب با تو گویم رازها شکوه آغازم ز بت پردازها
(ص ۱۹)

- کاربرد انواع قید

قید زمان (شب - روز - امشب و...)، قید مکان (اینجا - آنجا) قید مقدار (بسیار)، قید کیفیت (خوب - بد - زشت و...)، قید تمنا و تاسف (کاش - افسوس - وای)، قید تشبیه (گویی - بسان)، قید پرسش (آیا - چرا - کجا)

- تخفیف

پادشه - گنه - صیدگه - کهسار - مه - شه - روبه - و...

عرصه شیراوژنان باشد مصاف زندگی روبه، آری در کمین شیر نتواند نشست
(ص ۱۰۵)

- الف اطلاق

یعنی الف زائدی که در آخر اسم و فعل و حرف می آورده اند و معمولاً برای پر کردن وزن یا تفخیم یا کثرت و مبالغه است. (شمیسا، ۱۳۸۰: ص ۱۸۸)

ایزدا خواهم که تا انسان شوم لایق این منصب و عنوان شوم
(ص ۲۵)

- تغییر شکل کلمه به ضرورت وزن :

ای ستیغ سرفراز کوهسار حجتی ستوار بر اثبات تو
(ص ۲۱)
بُد کعبه در میانه آن شهر یادگار از دوده خلیل و سماعیل و هاجرش
(ص ۱۹۵)

- اماله

یعنی میل «الف» به سوی «ی» که یکی از سیستمهای تدافعی زبان فارسی در مقابل زبان عربی بود. (شمیسا، ۲۰۰: ۱۳۸۰) این ویژگی در شعر سبزواری که اشعار خود را به سبک خراسانی سروده است، بسیار است:

من صاحب هنر بدم و در مصاف دهر گفتم هنر بس است سلیح و سپر مرا
(ص ۱۸۸)

- جابجایی صفت و موصوف

بر سر هر شاخه خواهد سر کند شوری، حمید گر رهایی بخشدش این سفله صیاد از قفس
(ص ۵۱)
رخنه آخر افکنم بر طاق این قیری حصار بلعجب هنگامه سازد دست استیلای من
(ص ۱۵۲)

- حرف اضافه در معانی مختلف

را (فک اضافه)

در رثای تو ، ای کوه دانش وای اگر نشکند خامه را سر
(ص ۲۰۹)

را (علامت مفعول)

خواست تا بنیان ما را برکند سیل سرشک آستین در پیش او چون سد سکندر زدیم
(ص ۷۳)

را (به معنی برای)

غزل سازان گلزار ادب را نغمه‌ها باشد حمیدا در مضامین تو سوز دیگری باشد
(ص ۶۹)

را (به معنی به)

ره آزادی از این دامگه بنما اسیران را که مرغ بسته پر، مشتاق سیر بوستان باشد
(ص ۶۶)

به (به معنی با)

ساقی به جلوه صبر و سکون از دلم ربود یا رب دلش به سینه شود بی‌قرار خویش
(ص ۵۸)

به (به معنی در)

به دیار خود غریبی، به حضر چه می‌شکیزی گذری ز خود به خود کن، سفر آفریدگان بین
(ص ۱۱۳)

- «یای» مترادف صفات

تا وطن آنجاست کارزاری نباشد نشنوند اهرمن خویی، بداندیشی، تبهکاری نبود
(ص ۴۶)

ای خوشا آزادگی، آزادگی پاکبازی، رادمردی، سادگی
(ص ۲۴)

سبک ادبی

حمید سبزواری تقریباً در تمام قالبهای کلاسیک اعم از قصیده، غزل، مثنوی، قطعه، دوبیتی، و دیگر انواع هنرنمایی کرده است. مثنویهایی در محور طولانی به شیوه خاص علی معلم سروده است که مشهورترین آنها همپای جلودار و فتحنامه است. اشعار سبزواری از نظر بلاغی غنی است زیرا وی «شاعری است که توانسته در حوزه شعر ادبیات معاصر با استفاده از بنمایه‌های ملی و مذهبی و با بکارگیری بیانی انتقادی و صریح، تصاویر زیبایی ارائه دهد. این صورتهای نشان‌دهنده ادراک ژرف او از ارزشها و اعتقادات است که توانسته بدرستی آنها را در قالب واژه بنشانند و بیشتر صورتهای خیالی موجود در اشعارش در خدمت مبارزه سیاسی علیه حاکمان زور قرار دهد.» (سلیمانی، ۱۳۹۵: ص ۱۰)

ویژگیهای ادبی اشعار «سبزواری» که بیانگر سبک و سیاق شاعری اوست، به شرح زیر است:

تشبیه

تشبیه از دیدگاه حسی یا عقلی بودن

محسوس به محسوس

گلبوسه زد به چهر عروسان بوستان تا بشکفتد شقایق و مینا و عبهرش
(ص ۱۹۳)

چه پیریست یا رب که در عزم و قدرت چو کوهیست هر پاره استخوانش
(ص ۲۰۵)

معقول به محسوس

مرغ امید از چمن آرزو پرید از حسرت بهار، دل باغبان شکست
(ص ۴۵)

آتش غم بی سبب بال و پر ما را نسوخت جرم ما این بس که گرد شعله بال و پر زدیم
(ص ۷۲)

تشبیه از دیدگاه وجه شبه و ادات تشبیه

تشبیه مجمل: تشبیهی که در آن وجه شبه ذکر نشود، تشبیه مجمل گویند.

امروز بازویم نگر، رویم ببین، خویم نگر تا باز فردا بنگری، با جسم چون پرویزنم
(ص ۱۰۷)

چه گردی‌ست یا رب که صد کوه آهن چو موم است در پنجه پرتوانش
(ص ۲۰۵)

تشبیه مفصل: تشبیه‌ی که در آن وجه شبه ذکر شود، مفصل می‌گویند.

حمید از قدرت اهریمنان ترسان و لرزان بسان بید بن، از رنج خویش میلرزد
(ص ۶۹)

چو تاک خشک به هر سو گشوده‌ام آغوش که بر فسرده تنم برگ و بار برگردد
(ص ۷۴)

تشبیه مرسل: تشبیه مرسل یا صریح، تشبیه‌ی که در آن، ادات تشبیه ذکر شود.

همچو سرویم از تهیدستی و از خود شرمسار کز چه پهلوی با درختان ثمرپرور زدیم
(ص ۷۲)

خواست تا بنیان ما را برکند سیل سرشک آستین در پیش او چون سد اسکندر زدیم
(ص ۷۳)

تشبیه موکد: تشبیه‌ی که در آن ادات تشبیه ذکر نشود.

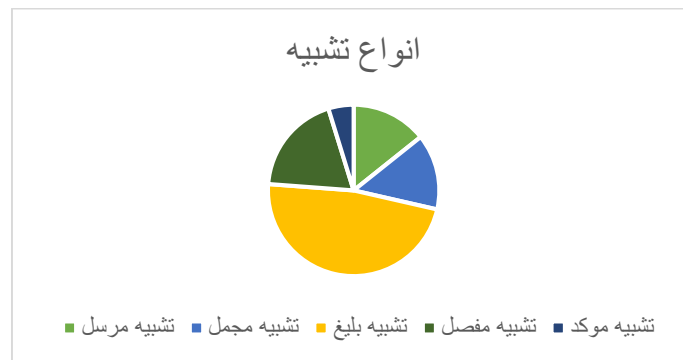
سر به پیش افکنده دارد پیش سروقامت شاخه طوبی که هم‌بالای بالای تو نیست
(ص ۱۲۱)

تشبیه بلیغ

وند بر جماعت مسکین و دردمند سیلاب اشک بارد از دیده ترش
(ص ۱۹۷)

چین به چهر و خم بر ابرو آورد سوی صحرای جنون رو آورد
(ص ۲۴۶)

آهسته پر کشید به آغوش شاخسار تا کودک شکوفه نعلزد ز بسترش
(ص ۱۹۳)



انواع تشبیه به اعتبار مفرد و مرکب بودن طرفین
مفرد به مفرد

سرد باد آن دل که آن را سوز سودای تو نیست
(ص ۱۲۲)

دل به بویت جان بر آتش مینهد همچون سپند

مفرد به مقید

ای گرگ تیزچنگ اجل سوی من گرای
(ص ۱۴۸)

گر زندگی به ذلت باشد نصیب من

نقش فریب، پای همه رهروان شکست
(ص ۴۵)

دردا که در سراب توان سوز زندگی

مقید به مفرد

بیش از این شاهد گلگون کفن با من مگوی
(ص ۸۷)

بر دلم چون لاله صد داغ است از حسرت، حمید

ز چنگ سینه‌ام فریاد جان فرسای من بشنو
(ص ۹۰)

غمم چون زخمه بر دل میزند آوای من بشنو

مرکب به مرکب

چون به دریا ماهیان نیمه جان
(ص ۲۲۹)

اختران بر نیل دشت آسمان

انواع تشبیه به لحاظ شکل

تشبیه تفضیل

تنگتر خوانمش از روزنه سوزن
(ص ۱۵۸)

بس غزل سازم در وصف دهان یار

تشبیه مفروق

می‌بلرزد اهرمن را پشت از هرای من
(ص ۱۵۳)

گر برآشوبم چو موج و گر به خشم آیم چو بحر

امام شمع وجود و شهید، آینه
(ص ۱۱۸)

خوشا سرای محبت که اندر آن بینی

تشبیه تلمیحی

سامری را گو، بترسد از ید بیضای من
(ص ۱۵۳)

در کف من خامه، چو اندر کف موسی عصا

بو که کنند امتحان ذوق خریدار را
(ص ۹۴)

یوسف جان میبوند بر سر بازار حسن

اضافه تشبیهی

داروی جان ز رایحه مشگ و عنبرش
(ص ۱۹۳)

پیک نسیم سرخوش و دلکش وزید و داشت

باد نوروzy گره از زلف سنبل میگشود گلستان آرزو را شاخ بی‌باری نبود
(ص ۴۶)

استعاره

توجه به استعاره از اصول صور خیال شعر دوره انقلاب و دفاع مقدس است. استفاده از الفاظ و کلمات در گستره معنایی وسیع‌تر و توجه به آهنگ واژه‌ها و موسیقی خاص کلمات از ویژگیهای عمده شعر این دوره است.

استعاره مصرحه

ای زبان خوام کز راست نپرهیزی تا دُر افشانم از طبع گهرزا من
(ص ۱۶۶)

دُر استعاره از شعر

زمان ز حادثه آبستن است و بی‌خبران گمان بردند که بنشسته بت شکن خاموش

بت شکن: استعاره از امام خمینی

سر فرو در خاک و خاکستر کنید دامن از خونابه دل تر کنید
(ص ۲۴۶)

خونابه: استعاره از اشک

وادی پر از فرعونیان و قبطیان است موسی جلودار است و نیل اندر میان است
(ص ۲۲۰)

موسی استعاره از امام خمینی

فرعون استعاره از شاه ستمگر

استعاره مکنیه: داری تشخیص (بصورت اضافی)

جیب افق ز رنگ فلق لاله گون شد بر آن نثار آمده بس دُر و گوهرش
(ص ۱۹۲)

باش کز آستین عدالت حق برون آورد دست کیفر
(ص ۲۱۴)

مگو که کشتی از این موج بر کران نرود که بر دماغ خرد هرگز این گمان نرود
(ص ۱۰۹)

اضافه استعاری:

تا برآسایم در سایه آزادی بسرایم شکرین، شعر طربزا من
(ص ۱۶۶)

ای تو مرز خرد را نگهبان ای تو اسلام را یار و یاور
(ص ۲۱۳)

مباش در پی دعوی که رهرو عشق بر آستان وفا جز به پای جان نرود
(ص ۱۰۰)

کنایه

استفاده از کنایه در شعر شاعران دفاع مقدس بسیار به چشم میخورد. در شعر سبزواری شاهد موارد بسیاری از تصویرسازی براساس نوعی زیبا از صور خیال یعنی کنایه هستیم که به صورتهای متعدد نمود پیدا کرده است. البته بسیاری از آنها در شعر شاعران پیشین به کار رفته است:

کنایه فعلی آنست که وسائط در آن اندک و ربط بین معنی اول و دوم آشکار باشد. (شمیسا، ۱۳۷۸: ص ۲۸۰)

برنیامد جز نوای بینوایی از درون گر به امید نوایی حلقه‌ای بر در زدیم
(ص ۷۲)

بس که در پرده سخن گفتم و کس نشنود خود همان به که ز گفتار شوم الکن
(ص ۱۵۸)

پیش آن طایفه کز فهم نشانی نیست آهن سرد چرا باید کوبیدن؟
(ص ۱۶۱)

کنایه صفت از موصوف: مکنی به، صفت یا مجموعه چند صفت یا جمله و عبارت وصفی (صفت و موصوف، مضاف و مضاف الیه) یا بدلی (مضاف و مضاف الیه) است که باید از آن متوجه موصوفی شد. یعنی بطور خلاصه وصف صفتی را میگوییم و از آن موصوف را اراده میکنیم. (شمیسا، ۱۳۷۸: ص ۲۷۵)

پنجه در خارای هستی میزنم با اشک و آه قصه کوتاه کن، حدیث کوهکن با من مگوی
(ص ۸۶)

کوهکن: کنایه از فرهاد

آن دم که بی‌گه کاروان عزم سفر کرد زینب به قربانگاه ثاراله نظر کرد
(ص ۲۴۴)

ثاراله: کنایه از امام حسین (ع)

لختی درنگ آور که پرچمدار آید این کاروان را، کاروان سالار آید
(ص ۲۴۳)

پرچمدار: کنایه از حضرت عباس

الا ای که دامن نیالوده داری ز انبوه تر دامن سبک سر
(ص ۱۷۵)

تر دامن: کنایه از گناهکار

تلمیح

سبزواری با تلمیح به نام قهرمانان اساطیری، ملی، تاریخی و مذهبی در شعر خود باعث تشجیع و ترغیب رزمندگان در میدانهای نبرد حق علیه باطل شده و با زشتیها و پلیدیها به مبارزه برخاسته است. اشاره و تلمیح به حقایق تلخ و شیرین دوران جنگ تحمیلی، تلمیحات اساطیری و دینی و مذهبی و تاریخی، به کارگیری تلمیحات قرآنی و داستانی از قاموس بزرگ معارف اسلامی و بیان موضوعات مختلف از مواردی است که باعث غنای زبانی و ادبی و محتوایی شعر سبزواری شده است. (اکبری، ۱۳۷۱: ص ۱۸۰)

تلمیحات اساطیری

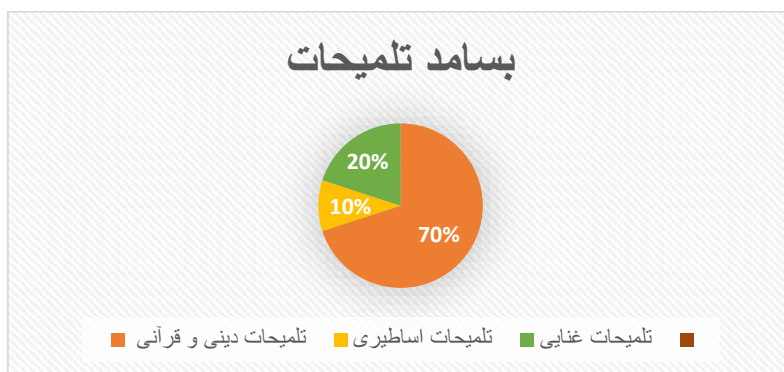
شعله‌باد دل از داغ شهیدان وطن	رخته از خاطر ما یاد سیاوش مباد (ص ۱۳۰)
خوی ضحاکت اسیر مار جانفرسا کند	رسم موسی گیر و بنگر نفس مارافسای خویش (ص ۱۴۴)

تلمیحات دینی و مذهبی

ز قبول و رد چه ترسی، آرئی زنان به طور آ	ز فروغ لن ترانی، بصر آفریدگان بین (ص ۱۱۳)
هنری مردم و این مایه به کف دارم	برتر از ثروت قارون، سپه قارن (ص ۱۶۱)
نقش شد بر فرش محرابش ز خون	جمله « انا الیه راجعون » (ص ۲۳۵)
نشیب ار نمیدید یوسف به کنعان	فرازی به مصرش فراهم نبود (ص ۸۰)

تلمیحات غنایی

سالهای هامون نوردی کار مجنون بوده است	این زمان آواره لیلی را به هامون میکنی (ص ۱۱۱)
در بهای وصل شیرین، جان شیرین میدهم	تیشه‌ای کو تا رها گردم چو فرهاد از قفس (ص ۵۰)
جز یاد دلبر در دل عاشق نگنجد	جز شور عذرا در سر وامق نگنجد (ص ۲۴۰)



ایهام

بی‌هتران را بگو، گنج هنر زان ماست	گرچه ز ملک هنر، با هنری می‌رود (ص ۹۹)
-----------------------------------	--

با هنری ایهام دارد: ۱- شهید باهنری ۲- کسی که دارای هنر است.

تا که خدای حمید حافظ این امت است هر نظری میرسد، صد خطری می‌رود
(ص ۹۹)

حمید: ۱- یکی از اسماء الهی ۲- تخلص شاعر

تضاد

تا یکی بیگانه گردد آشنا الفت پروانه با نور آفرین
(ص ۱۷)

مبالغه و اغراق

سبزواری در حماسه پردازی شعر دفاع مقدس و تصویر آفرینی و بیان حماسه‌های رزمندگان؛ همچنین جهت تهییج و ترغیب رزمندگان برای پایداری و دفاع از میهن از عنصر مبالغه و اغراق بهره بسیار برده است. او برای ارائه تصاویر حماسی از عناصر طبیعت همچون کوه، دریا، سیل، موج، رعد، طوفان، آتش و... استفاده کرده است:

شعر روان حمید، گر نکند کار تیغ در شط خون افکنیم، دفتر اشعار را
(ص ۹۵)

تشخیص

سبزواری در تصاویر شعر خود از مظاهر طبیعی بی‌جان سود جسته است؛ البته بیشترین آنها عمدتاً مظهر حرکت و جنبشند و یا با یک صفت به حرکت در می‌آیند. او توانسته است به وسیله جانبخشی به امور مادی و حسی و گاه انتزاعی به حرکت و پویایی تصاویر شعری خود کمک کند.

باد می‌کوبد به در انگشت، من با یاد تو دیده امیدوار خویش بر در میکنم
(ص ۳۹)

از مناجات امیرالمومنین آسمان بگریست بر حال زمین
(ص ۲۳۲)

ابر میبارید اشک شوق بر هر جویبار خاطری آشفته از غم، چشم خونباری نبود
(ص ۴۶)

مراعات النظیر

یکی از ترفندهایی که باعث زیبایی شعر سبزواری شده است، استفاده از صنعت مراعات النظیر یعنی آوردن واژه‌هایی که از نظر معنی با هم تناسب دارند و یادآور یک کل منسجم هستند. تقریباً اکثر ابیات سبزواری از این ویژگی برخوردار است.

هنگام یاس و نسترن و یاسمن گذشت بازار ناژ و نارون و ارغوان شکست
(ص ۴۵)

نیستم سوداگری طماع تا از بهر سود عرضه بر بازار ناهلان شود کالای من
(ص ۱۵۴)

مجاز

از	درون	تیره	میخانه‌ها	بانگ	نوشانوش	تا	بهرام	شد
(ص ۱۵)								
بهرام مجاز از آسمان (جزء و کل)								
اینک	به حکم	او به راه	شام کوشم	از دست	ساقی در	اسارت	جام نوشم	
(ص ۲۴۴)								
جام مجاز از شراب (حال و محل)								
فرمان	رسید	این خانه	از دشمن	بگیرید	تخت و نگین	از دست	اهریمن	بگیرید
(ص ۲۲۲)								
تخت و نگین مجاز از پادشاهی (لازم و ملزوم)								

متناقض نما (پارادوکس)

در پارادوکس با تضادهایی روبرو هستیم که قرینه‌ها برعکس تقابل، همسو میشوند و از آمیزش طرفین تضاد، مفهوم سوم دیگری تولید میشود. سبزواری در جای جای دیوان خود از پارادوکس استفاده کرده است:

دل دو روزی هوس عالم بی‌دردی کرد گریه خندید بر این فکر محالی که مراست
(ص ۱۳۳)

نماد (سمبل)

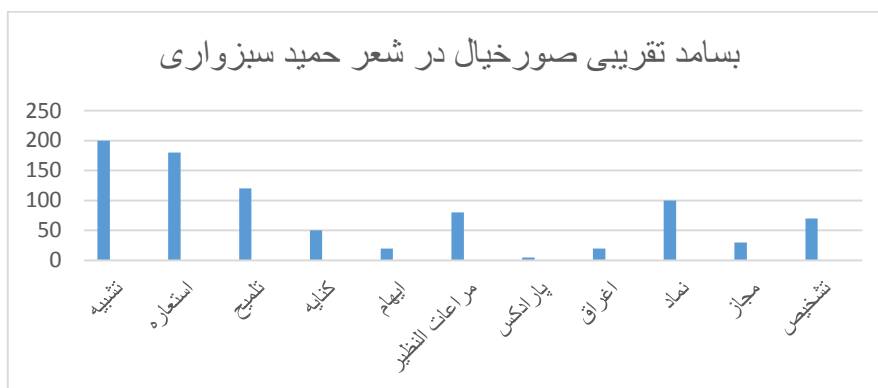
از نظر ادبی «نماد» نحوه خاصی از بیان و توضیح درباره چیزی است که در سایه تداعی معانی، مفهومی بیشتر یا اصولاً مفهومی دیگر را بیان میکند. به عبارت دیگر «نماد» کاربرد آگاهانه واژه یا عبارت درغیر از معنای خاص آن واژه یا عبارت میباشد و این مهم از طریق دلالت یا اشاره نه از راه مشابَهت و قیاس حاصل میگردد. (امیری خراسانی، ۱۳۸۴: ص ۱۹۸) به عقیده دکتر سیروس شمیسا نماد (ایماژ) استعاره‌ای است که به شکلی به یاد ماندنی، یکی از موضوعات عمده یک اثر ادبی را بیان کند. (شمیسا، ۱۳۸۰: ۲۹۷) با استفاده از نماد گرای، عقیده‌ای که ممکن است ظاهری یکنواخت و تکراری داشته باشد، میتواند به نظری تازه با بار معنایی بسیار موثر و زنده تبدیل شود و هنگامی که لازم است واژه‌ها مفهومی راز گونه را بیان کنند، شاعر توانا میتواند از قدرت «نماد» بهره لازم را ببرد. نمادها همواره در دو حوزه معناگرایی و تصویرآفرینی نقشی عمیق داشته‌اند و همین دو خصلت ارزشمند ادبی سبب شده است تا نمادها در سازوکار سرایندگی به شکل کارآمد مورد توجه قرار گیرند.

حمید سبزواری در اشعار خود جلوه‌های گوناگون آب از قبیل: دریا، سیل، باران، رود، اشک، قطره، موج، و... که نماد مفاهیم مقاومت، انقلاب، سوگ و حماسه هستند و همچنین سایر عناصر طبیعت چون: شب، روز، کوه، ابر، مرداب و... فراوان به کار برده است.

چون لاله‌رویی بوسه‌ای بر لاله میزد لبها ز داغ بوسه‌ها تبخاله میزد
(ص ۲۴۱)

لاله نماد شهید

دریا دلان دریا دلان من موج خارا افکنم	کوهم که از استادگی هرگز نمیلرزد تنم (ص ۱۰۶)
سینه را آتش به جان از آه آتشبار ریزم	دیده دریا سازم و چون موج بنیان کن بنالم (ص ۹۶)
موج و دریا نماد انقلاب	کوه نماد ایستادگی
از آن سیلی زند بر شمع باد هرزه پو هر دم	که شب دشمن شمارد هر کجا روشنگری باشد (ص ۶۲)
شمع نماد روشنایی	شب نماد سیاهی و تیرگی



تاثیرپذیری از شاعران

حمید سبزواری در مورد شعرای متقدم میگوید: «آموزگار من در شاعری، دیوان شعرای متقدم بوده است، بنابراین اشکالی نمیبینم که خود را مقلد آن بزرگواران بشمارم، تقلید از شاعران مسلمان و ایرانی را بر پیروی کورکورانه از فرهنگ و شعرای نامسلمان شرقی و غربی ترجیح داده‌ام؛ بگذارید شعر من، عطر آثار والای ناصر خسرو و خاقانی را داشته باشد ولی ترجمه آثار و افکار سرایندهان فرانسوی و روسی و... نباشد.» (سبزواری، ۱۳۶۷: ص ۴۲) سبزواری در بین شاعران متقدم به دو دلیل به ناصر خسرو علاقه پیدا کرده است: یکی زبان خیلی ساده و صمیمی که در قصایدش دارد و دیگر خراسانی بودنش، از این لحاظ که هیچ پیچیدگی در کار زبان ندارد.

در غزل از اشعار بیدل دهلوی تاثیر پذیرفته است؛ چون به نظر او، بیدل به قدری زیبا، پرمعنی و عمیق شعر سروده که در ادبیات فارسی کم نظیر است، و علتش این است که محصول دو مکتب است؛ یکی هند و فلسفه‌های هند و دیگر اسلام. از شاعران سبک عراقی نیز میتوان به حافظ اشاره کرد که سبزواری در جای جای غزلیاتش از واژگان مخصوص غزل حافظ سود برده است. (پیر مغان- رطل گران- دیر مغان- و...)

ساقی هوای مجلس پیران نمیکند آن شوخ‌دیده حرمت دیر مغان شکست
(ص ۴۵)

اما از شاعران معاصر که بر اندیشه و شعر حمید موثر بوده‌اند میتوان از نسیم شمال، فرخی یزدی و محمدعلی معلم دامغانی نام برد. «نوجوانی حمید با فرهنگ خشونت بار و ضد دینی پهلوی اول همراه بوده است. او در دوران نوجوانی دیوان نسیم شمال را بارها خوانده است. طرز اصلی سخن‌سرایی سبزواری همان سبک خراسانی است، هر چند که گاهی به مرز عراقی نیز نزدیک میشود و با آن می‌آمیزد اما مدار و محور سخن او همان طرز پر صلابت خراسانی است. او مسائل روز جامعه بشری و مهمترین رخدادهای انقلاب اسلامی و هشت سال دفاع مقدس و مضامین انقلابی و مکتبی و مذهبی و... را با زبان فاخر ادبی به سبک کلاسیک بیان کرده است. در اینجا به مواردی از تضمینهای سبزواری از شاعران اشاره میکنیم که نشان‌دهنده آشنایی شاعر با دواوین شاعران گذشته است:

ملک الشعرا بهار:

خلقی چنان که گفت بهار آن فرید دهر «مطلق حسود و بر زبر حق نهاده پای»
(ص ۱۴۹)

مسعود سعد:

«کاری‌تر است بر دل و جانم بلا و غم از رمح آب داده و از تیغ سرگرای»
(ص ۱۵۱)

خاقانی:

گرچه خاقانی به گاه سرفرازی گفته است «طبع عالم کیست تا گردد عمل فرمای من»
(ص ۱۵۷)

ناصر خسرو:

«کودن و خوار و خسیس است جهان دون زان همی سازد بار خار و خس و کودن»
(ص ۱۵۹)

سبک فکری

حمید سبزواری پیش از پیروزی شکوهمند انقلاب اسلامی، علیه نظام شاهنشاهی شعر میگفته است و در انجمنهای شعری به پرداختن بر مضامین اسلامی و انقلابی تأکید داشته و به شاعران نیز این مضامین را توصیه میکرد. سبزواری در نزد همه شاعران و عموم شعر دوستان به یک شاعر متعهد و انقلابی مشهور است و همه عمر شاعری وی در دفاع از ارزشهای انقلابی سپری شده است. شعر او یک شعر متعهد و ملتزم به ارزشهای انقلابی و اسلامی میباشد.

ارزشهای اسلامی و میهنی در قبل از انقلاب اسلامی در شعرهایش واضح است و بعد از انقلاب از شاعرانی است که بیشترین مضامین انقلاب در شعرهایش دیده میشود. ستایش اهل بیت، ستایش رهبری و دیگر شخصیتهای انقلابی، وطن دوستی، مرثیه بر اهل بیت، مدح پیامبر و امامان، بیان مبارزات و پایداریهای مردمی، همدردی با نهضت‌های آزادیخواهان مثل فلسطین و لبنان و... از ویژگیهای فکری اشعار سبزواری است.

عرفان در شعر سبزواری در مبارزه با طاغوت و در میدان آتش و گلوله و خون و سنگر نمود پیدا کرده است و میتوان گفت شعر سبزواری شعر خشم و خروش و مقاومت و مبارزه است و آمیخته‌ای از لطف و خشم و مهر و قهر و حماسه است و آمیزه‌ای از عشق و عرفان و حماسه. سبزواری حماسه‌های گلرنگ عروج شهیدان و جوشش و کوشش ایثار مردم ایران را با احساس تعهد و التزام، در طول هشت سال دفاع مقدس به نظم کشیده است. دیوان سبزواری، دیوان انقلاب اسلامی است و از نظر محتوا و درونمایه پیام اصلی بیشتر اشعار وحدت و یگانگی همه

اقتدار ملت در مقابل تهاجم استکبار جهانی است. شاعر با تکیه بر فرامین و توصیه‌های پیغمبر اسلام، وحدت و یکپارچگی مردم را رمز فتح و پیروزی و بقای ایران و اسلام میدانند. از مضامین اصلی اشعار سبزواری میتوان به موارد ذیل اشاره کرد:

- اشاره به مناسبت‌ها و رخدادهای مهم کشور و جهان

دیوان حمید سبزواری تاریخ گونه‌ای است که بسیاری از وقایع و رخداد‌های مهم دوران جنگ و انقلاب در آن گرد آمده است. که عبارتند از: (برای پرهیز از طولانی شدن مطالب فقط ابیات ابتدایی را ذکر میکنیم)
- اعتراض به واگذاری نفت به بیگانگان و تشکیل کنسرسیوم

گرگ نیاید که حافظ گله باشد	دزد نیاید رفیق قافله باشد
دور ستم بیش از این دوام ندارد	مادر ایام بین که حامله باشد

(ص ۳۶)

- کشتار مردم قم و تبریز در سال ۱۳۵۶

با همه سردی به جان ما را شراری نیز هست	سوز آهی در دل امیدواری نیز هست
--	--------------------------------

(ص ۹۲)

- به مناسبت صدور فرمان امام بر تعیین روز جهانی قدس

وقت است تا برگ سفر، بر باره بندیم	دل بر عبور از سدّ خار و خاره بندیم
از هر کران بانگ رحیل آید به گوشم	بانگ از جرس برخاست وای من خموشم

(ص ۲۱۹)

- خیانت بنی صدر

زخمه به جان میزنند مطربکان تار را	سوی جنون میکشند مردم هشیار را
-----------------------------------	-------------------------------

(ص ۹۵)

مدح معصومین و چهره‌های بزرگ

محبت پیامبر و اهل بیت او با خون مردم ایران از عارف و عامی آمیخته است، جلوه‌های این عشق سوزان را میتوان در لابه لای دیوان تمام شاعران ایرانی به فراوانی تمام مشاهده کرد. سبزواری در دیوان خود به مدح پیامبر و امامان و معصومین، امام خمینی (ره)، شهدای جنگ تحمیلی و چهره‌های برجسته و بزرگ دینی و سیاسی و علمی انقلاب پرداخته است.

- مدح امام علی (ع)

تا بر شد از نیام فلق برق خنجرش	برچید شب ز دشت و دمن تیره چادرش....
خواهم مدیح گفتن فرزند کعبه را	باشد که مدیح یدالله میسرش؟
آن را که زیب قامت او (هل اتی) بود	آن را که هست خواجه (لولاک) رهبرش
آن را که در مجاهده و طاعت و سخا	ایزد ستوده است به قران مکررش

(ص ۲۰۱)

-مدح امام خمینی(ره)

بنازم بر آن پیر و فکر جوانش که عاجز بود خامه از داستانش
چه بحرِیست یا رب که نتوان رسیدن به صد موج اندیشه بر یک کرانش
(ص ۲۰۴)

در سروده‌ای دیگر در دوری از امام، عشق خود را به امام اینگونه ابراز میکند:

چو یار نیست بگو تا بهار برگردد بهار من بود آن دم که یار برگردد
کر ای نسیم سرکوی یار من دادی به او بگو که به سوی دیار برگردد
(ص ۳۹)

-مراثی و سوگ سروده‌ها

-در سوگ رحلت امام خمینی(ره)

غمگنان خیزید و اشک افشان کنید رو به سوی خودفراموشان کنید
چین به چهر و خم بر ابرو آورید سوی صحرای جنون رو آورید
(ص ۲۴۶)

-در سوگ مرتضی مطهری

ای مجاهد، شهید مطهر مرتضی را چو آینه مظهر
ای شهید ره حکمت و علم خون تو حافظ دین و دفتر
(ص ۲۰۹)

-در سوگ رجایی و باهنر (و ۷۲ شهید شاهد انفجار حزب جمهوری)

واگذاریدم عزیزان تا در این گلشن بنالم گریه بر سوری کنم در ماتم سوسن بنالم
چهره نیلی سازم و در سوگ نیلوفر نشینم جامه خونین پوشم و بر لاله و لادن بنالم
داغ هفتاد و دو گل دارم که از بیداد گلچین گشت پرپر، واگذاریدم در این گلشن بنالم
(ص ۹۷)

از دیگر مضامین فکری موجود در اشعار سبزواری میتوان به موارد زیر اشاره کرد:

پند و نصیحت

چو بلندپایه گشتی به فتادگان نظر کن که فروتنی و رادی صفت پیمبران شد
(ص ۴۹)

ز بحث غافلان بگریز و پند آگاهان شنو به بزم عارفان بنشین و تحصیل معانی کن
(ص ۱۲۷)

چون صدف گوش کن و پند نکته‌دانان را نیوش تا بیندوزی گهرها در دل دانای خویش
(ص ۱۴۵)

ز پیران دستگیری ای جوان روز جوانی کن مراعات ز پا افتاده مردم تا توانی کن
(ص ۱۲۷)

وطن دوستی

من پاسدار مکتبم، من جان نثار مذهبیم	آماده هر روز و شبم، در پاس دین و میهنم (ص ۱۰۷)
خوشر است از سیم و زر، در چشم من خاک وطن	جاودان باد این گرمی مرز مشک اندای من (ص ۱۵۵)

آزادی

حمیدا نیست در زندانی زر شور آزادی	کجا شاخ گلی در شوره زاری میشود پیدا (ص ۴۳)
گر شود روزی مرا مرغ دل آزاد از قفس	شکر آزادی گزارم، چون کنم یاد از قفس (ص ۵۰)

جبر و اختیار

مطیع قدرت موهوم گردش فلکیم	اسیر پنجه قهار قاضی قدریم (ص ۳۲)
گرچه بازوی غزا داری، رضا شو بر قضا	مرد عاقل، غافل از تقدیر نتواند نشست (ص ۱۰۵)

مدح خراسان

فرخا ملک خراسان و صفای آن دیار	ارض طوس و مرز نیشابور و شهر سبزوار
گلستانی دلکش و زیبا چو گلزار بهشت	پوپکش بر جو کنار و شارکش بر شاخسار (ص ۱۷۷)

توصیف اوصاف خداوند

توصیف اوصاف خداوند و جلوه‌های تجلی او در جهان آفرینش از دیگر ابعاد اشعار حمید سبزواری است. خدا باوری و خدا محوری در اشعار سبزواری نمودی دیگرگونه پیدا کرده است. (موجودی، ۱۳۹۶: ص ۲۷)

ای بهاران از غم تو پیرا شده	بوستان از صنع تو زیبا شده
چشمه‌ساران زلال رحمت	ره گشا از سینۀ خارا شده (ص ۲۷)

شاعر در جای جای دیوانش با زبان اشک و آه با خداوند نجوا میکند و طلب عفو و بخشش میکند و اشعاری زیبا خلق میکند:

بارالها آمدم با اشک و آه	خائف از فردا و نادم از گناه
گر نبخشایی و ننوازی مرا	بر که رو آورم کجا جویم پناه..... (ص ۲۵)

نتیجه‌گیری

حمید سبزواری یکی از شعرای برجسته و مشهوری است که شعرش بیانگر مشقت و رنجهای دوران انقلاب اسلامی و دفاع مقدس است. سبزواری سراینده سرودها و اشعار مختلف حماسی، عرفانی اعم از قصیده، غزل، دوبیتی و

رباعی است و به مسایل فرهنگی و جامعه‌سیاسی ایران آشنایی و تسلط کامل داشته است. زبان شعر حمید سبزواری یک زبان محکم و استوار سبک خراسانی است که گاهی به سبک عراقی نزدیک می‌شود. اگرچه بیشتر شعرهای او قصیده است اما وی در غزل و سرود هم قوی و استاد است و زبان پیراسته و سالمی دارد. در سطح زبانی سبزواری از بحر رمل که از اوزان پر استعمال شعر فارسی است، در اشعار خود بهره برده است. همچنین شاعر برای تهییج مردم و شوراندن آنان علیه رژیم طاغوت و دشمنان بعثی، از اوزان حماسی و رزمی استفاده می‌کند تا بر آهنگ کلامش بیفزاید و با این شور حماسی بتواند مردم را به جبهه‌های نبرد حق علیه باطل فراخواند. مثنوی همپای جلودار بر وزن مستعلن سروده که بحر رجز از بحرهای حماسی است. همچنین از انواع ردیفهای فعلی، اسمی، و... در اشعارش استفاده کرده است.

در بخش موسیقی درونی: واج آرایی از هنرهای پر کاربرد در شعر سبزواری است. همچنین تکرار یکی از عناصر مهم موسیقی‌ساز اشعار وی را تشکیل می‌دهد و انواع تکرار واژه، عبارت، جمله و حتی بیت در اشعار سبزواری دیده می‌شود. هدف از تکرار در شعر وی بالا بردن سطح موسیقی کلام است. سبزواری از انواع جناس نیز برای هنرتر کردن سروده‌های خود سود برده است.

در اشعار سبزواری لغات عربی بسامد کمی دارد اما با این حال میتوان گفت استفاده از کلمات و اصطلاحات قرآنی از ویژگیهای شعری وی است. اغلب واژه‌های به کار رفته در شعر سبزواری، ساده است، ولی در کل میتوان گفت که شاعری علاقه‌مند به واژه‌سازی و ترکیب‌سازی است. جملات سبزواری در اشعار نو و نیماییش بلند است اما در اشعار کلاسیکش جملات کوتاه‌تر هستند. سبزواری از افعال ساده و پیشوندی بیشترین بهره را برده است و افعال مرکب در اشعار او بسامد کمی دارند. همچنین در بخش زبانی میتوان نموده‌ها و جلوه‌های سبک و زبان خراسانی و تاثیرپذیری شاعر از آن سبک را به وضوح مشاهده کرد.

در سطح ادبی با نگاهی به دیوان حمید سبزواری میتوان به این نتیجه رسید که تشبیه در شعر او در درجه اول به صورت مفصل و صریح است؛ یعنی ادات تشبیه و وجه شبه را به وضوح بیان کرده است و طرفین تشبیه در اکثر موارد حسی هستند و تشبیهات معقول به معقول در اشعارش دارای بسامد ناچیزی است؛ او در تصاویر خود از مناظر و جلوه‌های گوناگون طبیعت استفاده کرده است. تشبیه بلیغ در شعر سبزواری بسامد بالایی دارد که به صورت تشبیه بلیغ اضافی نمود پیدا کرده است؛ همچنین در اکثر موارد یکی از طرفین انتزاعی است مانند: رنگ تعلق، قافله عشق و.. اما در تشبیهاتش ابتکاری دیده نمیشود و بیشتر تشبیهات ساده و صریحند.

استعاره‌های سبزواری بیشتر از نوع مکنیه و مصرحه است و استعاره‌های مطلقه در اشعار او بسیار اندک است. کنایات موجود در اشعار سبزواری همان کنایات موجود در دیوان شاعران گذشته است و تازگی ندارند. در بدیع معنوی سبزواری بیش از همه به مراعات نظیر علاقه نشان میدهد و ایهام و تضاد در مراتب بعدی هستند. استفاده از رمز و نماد بر زیبایی ایجاد و تاثیرگذاری شعرش افزوده است. رویکرد سبزواری در تلمیح، بیشتر تلمیحات قرآنی و دینی است، اما از تلمیحات اساطیری و غنایی نیز در امر غنای تصاویر شعری خود سود جسته است. بنابراین میتوان گفت در مجموع شعر سبزواری از نظرگاه ادبی، شعری است روان و رسا و هیچ پیچیدگی در شعرش وجود ندارد. از لحاظ فکری میتوان گفت اشعار حمید سبزواری، سند زمانمند انقلاب اسلامی ایران است، به این علت که کمتر حادثه یا رویدادی است که انعکاسی از آن در شعر او نباشد. وی با حساسیت خاص خود رویدادهای زمانه را در شعر خود بیان کرده است. او اشعار خود عشق به امام حسین و اهل بیت را به زیبایی به تصویر کشیده است. از

آنجایی که سبزواری شاعر دوره انقلاب است با مهر و محبت خاصی امام خمینی (ره) را ستوده و در سوگ او نالیده است. همانطور که ذکر شد دیوان سبزواری سند زنده تاریخ ایران است و شاعر در اشعار خود از اتفاقات تلخ تاریخی که در کشور رخ داده است سخن رانده از جمله: شهادت باهنر و رجایی، کشتار مردم قم و تبریز و... از دیگر مضامین فکری موجود در اشعار سبزواری میتوان به پند و اندرز و نصیحت، آزادگی، وطن دوستی، توصیف اوصاف خداوند و... اشاره کرد که نشان از دریای بیکران علم و اندیشه شاعر و تسلط وی بر عرصه سخن‌سرایی است. به طور کلی حمید سبزواری از آن گونه شاعرانی است که محتوا و اندیشه را فدای لفظ و فرم نمیکند و هیچگاه از مضمون غافل نمیشود.

مشارکت نویسندگان:

این مقاله از رساله دوره دکتری زبان و ادبیات فارسی مصوب در دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه آزاد اسلامی واحد ورامین - پیشوا استخراج شده است. سرکار خانم دکتر طاهره خبازی راهنمایی این رساله را بر عهده داشته و طراح اصلی این مطالعه بوده‌اند. آقای حسن حبیبی به عنوان پژوهشگر این رساله در گردآوری داده‌ها و تنظیم متن نهایی نقش داشته‌اند. سرکار خانم دکتر معصومه خدادادی مهاباد به عنوان مشاور نیز در تجزیه و تحلیل داده‌ها و راهنمایی‌های تخصصی این پژوهش نقش داشته‌اند. در نهایت تحلیل محتوای مقاله حاصل تلاش و مشارکت هر سه پژوهشگر بوده است.

تشکر و قدردانی

بر خود لازم میدانیم مراتب تشکر خود را از مسئولان آموزشی و پژوهشی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه آزاد اسلامی واحد ورامین - پیشوا که ما را در انجام و ارتقاء کیفی این پژوهش یاری دادند، اعلام نماییم.

تعارض منافع:

نویسندگان این مقاله گواهی مینمایند که این اثر در هیچ نشریه داخلی و خارجی به چاپ نرسیده و حاصل فعالیتهای پژوهشی تمامی نویسندگان است و ایشان نسبت به انتشار آن آگاهی و رضایت دارند. این تحقیق طبق کلیه قوانین و مقررات اخلاقی اجرا شده و هیچ تخلف و تقلبی صورت نگرفته است. مسئولیت گزارش تعارض احتمالی منافع و حامیان مالی پژوهش به عهده نویسنده مسئول است، و ایشان مسئولیت کلیه موارد ذکر شده را بر عهده میگیرند.

REFERENCES

- Akbari, Manouchehr (1992) Criticism and Analysis of Islamic Revolution Literature, Tehran, Islamic Revolution Cultural Documents Organization.
- Amiri Khorasani, Ahmad (2004), collection of articles of the first sustainability literature congress - Kerman, Tehran, Foundation for the Preservation of the Works and Values of the Holy Defense

- Ebrahimi, Fatemeh, Farshad Mehr, Fariba (2008) from Sabzevar to the land of dreams, Tehran, Surah Mehr
- Fotouhi Roud Mojani, M. (2011). Stylistics, Theories, Approaches & Methods, Tehran: sokhan.
- Homaie, J. (1984). Technics of Rhetoric literary industries. Tehran: Toos.
- Mojodi, Zahra (2017) Manifestation of Hamid Sabzevari's thoughts in contemporary poetry, Mashhad, Minofer
- Parvinzad, Shehla (2011) Hamid Sabzevari's bibliography, Cultural Key, No. 191
- Parvinzad, Mehdi (2008), the narrator of the epics of the revolution, Tehran, Kahan Farhangi
- Shamisa, S. (2012). Meanings, Tehran: Mitra.
- Shamisa, S. (2013). Bayan, Tehran: Mitra.
- Shamisa, S. (2015). Literary Types, Tehran: Mitra.
- Shamisa, S. (2004). Literary Criticism, Tehran: Mitra.
- Shamisa, S. (1996). Stylistics of poem. Tehran: Mitra.
- Soleimani, Z. (2016) A world of excitement. Tehran, Tirgan.
- Sabzevari, H. (1989), Hymn of pain. Tehran: keyhan.
- Sabzevari, Hamid (2006) you travel romantically, Teka, Tehran
- Shahri Barabadi, Mohammad (1987) Transformations of Persian Poetry after the Revolution, Mishkoh Magazine, No14

فهرست منابع فارسی

- ابراهیمی، فاطمه، فرشادمهر، فریبا (۱۳۸۸) از سبزوار تا سرزمین رویا، تهران، سوره مهر
- اکبری، منوچهر (۱۳۷۱) نقد و تحلیل ادبیات انقلاب اسلامی، تهران، سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی
- امیری خراسانی، احمد (۱۳۸۴) مجموعه مقالات اولین کنگره ادبیات پایداری- کرمان، تهران، بنیاد حفظ آثار و ارزشهای دفاع مقدس
- پروین زاد، شهلا (۱۳۸۱) کتاب شناسی حمید سبزواری، کیهان فرهنگی شماره ۱۹۱
- پروین زاد، مهدی (۱۳۸۱) روایتگر حماسه‌های انقلاب، تهران، کیهان فرهنگی
- سبزواری، حمید (۱۳۸۶) تو عاشقانه سفر کن، تهران، اتکا
- (۱۳۶۷) سرود درد، تهران، انجمن قلم ایران
- سلیمانی، زهرا (۱۳۹۵) یک جهان شور و نداء، تهران، تیرگان
- شهری برآبادی، محمد (۱۳۶۶) دگرگونیهای شعر فارسی پس از انقلاب، مجله مشکوه شماره ۱۴
- شمیسا، سیروس (۱۳۸۳) سبک‌شناسی شعر، تهران، میترا
- (۱۳۸۰) کلیات سبک‌شناسی، تهران، میترا
- (۱۳۸۶) بدیع، تهران، میترا-----
- (۱۳۹۴) انواع ادبی، تهران، میترا

----- (۱۳۷۸)، بیان، تهران، میترا

----- (۱۳۷۵)، سبک شناسی نظم، تهران، میترا

فتوحی، محمود (۱۳۹۱) سبک شناسی، نظریه، رویکردها و روشها، تهران، سخن

موجودی، زهرا (۱۳۹۶) تجلی اندیشه‌های حمید سبزواری در شعر معاصر، مشهد، مینوفر

همایی، جلال الدین (۱۳۶۳) فنون بلاغت و صناعات ادبی، تهران، طوس

معرفی نویسندگان

حسن حبیبی: دانشجوی دکتری گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، واحد ورامین - پیشوا، دانشگاه آزاد اسلامی، ورامین - پیشوا، ایران.

(Email: hasanhabibi250@outlook.com)

(ORCID: 0009-0001-2362-1120)

طاهره خبازی: دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، واحد ورامین - پیشوا، دانشگاه آزاد اسلامی، ورامین - پیشوا، ایران.

(نویسنده مسئول: Email: t-khabazi@yahoo.com)

(ORCID: 0000-0001-9179-8588)

معصومه خدادادی مهاباد: دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، واحد ورامین - پیشوا، دانشگاه آزاد اسلامی، ورامین - پیشوا، ایران.

(Email: hkodadadi@gmail.com)

(ORCID: 0000-0002-0583-7403)

COPYRIGHTS

©2021 The author(s). This is an open access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution (CC BY 4.0), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, as long as the original authors and source are cited.

Introducing the authors

Hassan Habibi: Ph.D. student, Department of Persian Language and Literature, Faculty of Literature and Humanities, Varamin-Pishva Branch, Islamic Azad University, Varamin-Pishva, Iran.

(Email: hasanhabibi250@outlook.com)

(ORCID: 0009-0001-2362-1120)

Tahere Khabazi: Associate Professor, Department of Persian Language and Literature, Faculty of Literature and Humanities, Varamin-Pishva Branch, Islamic Azad University, Varamin-Pishva, Iran.

(Email: t-khabazi@yahoo.com): Responsible author)

(ORCID: 0000-0001-9179-8588)

Masoumeh Khodadadi Mahabad: Associate Professor, Department of Persian Language and Literature, Faculty of Literature and Humanities, Varamin-Pishva Branch, Islamic Azad University, Varamin-Pishva, Iran.

(Email: hkodadadi@gmail.com)

(ORCID: 0000-0002-0583-7403)